صفحات ۲۵- ۳۱
نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی • شماره ۴۷ • پاییز ۱۳۹۰

نقش رنگ در پیکرک های انسانی دوره ی نوسنگی

دکتر ریما اسلام مسلک*[۱]، نرگس حریریان[۲]
[۱] عضو هیئت علمی دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
[۲] عضو هیئت علمی دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۴/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۹/۶)

چکیده

پیشینه ی کاربرد رنگ در مجسمه سازی قدمتی بس طولانی دارد. از نخستین تندیس های الهه های مزین به سنگ های قیمتی و رنگین و نقوش درون غارها با رنگ های طبیعی تا مجسمه های معاصر. پیکرک های مادینه و غالباً در حالت نشسته، بیشترین پیکرک های دوره ی نوسنگی را تشکیل می دهند که در مواردی نه چندان زیاد به صورت رنگی دیده شده اند. در ایران این پیکرک های رنگی بیشتر در مناطقی چون تپه ی حاجی فیروز، یانیک تپه و شهر سوخته پیدا شده اند که گاه وجوه مشترکی با پیکرک های رنگی دیگر مناطق باستانی دنیا چون چتل هویوک در ترکیه دارند. رنگ در این پیکرک ها در قالب نقوش مختلفی چون خطوط زیگزاگی، جناغی و مواج و یا نقوش شناخته شده ای که بیشتر نمادین هستند استفاده شده است. استفاده از رنگ و نقوش تزئینی نه تنها به هر چه زیباترشدن اشیا و ظروف منجر می شد بلکه بستر مناسبی را برای انتقال مفاهیم فراهم می نمود. رنگ در پیکرک های دوران نوسنگی نیز زبانی نمادین به شمار می آید که مفاهیم، باورها و عقاید خاص هر فرهنگ را نمایش می دهد. جایگاه مهم رنگ در زندگی، عقاید و باورها و نهایتاً در هنر انسان دوره ی نوسنگی که بیشتر از خصوصیتی نمادین برخوردار است، محتوای اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد.

واژه های کلیدی

رنگ، پیکرک های انسانی، نقوش نمادین، دوره نوسنگی.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۶۱۱۱۲۵۰۵-۰۲۱، نمابر: ۸۸۷۵۳۵۲۰-۰۲۱، E-mail:rima_5151@yahoo.com.

مقدمه

رنگ پدیده ای انتزاعی است که در شکل گیری جهان، توصیف آن و ارتباطات بصری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. دانش تهیه ی رنگ و استفاده از آن در عرصه های مختلف- که با الهام ازطبیعت شکل گرفته است - ریشه در گذشته های بسیار کهن دارد: مشاهده‌ی نور ماه، خورشید، ستارگان و تنوع رنگ در گیاهان، جانوران و خاک های الوان موجب شد انسان با انگیزه ی دسترسی به رنگ و نور، در پی تهیه یِ رنگ های طبیعی و مصنوعی قدم بردارد. رنگ که در ابتدا صرفاً به منظور تزیین بدن و محل سکونت انسان به کار می رفت، با گذشت زمان و الگوبرداری از طبیعت به عاملی مهم در شکل گیری آنچه بعدها هنر نام گرفت، تبدیل شد. انسان اولیه از رنگ به عنوان عنصری تاثیرگذار، تزئینی و نمادین در زمینه های مختلفی بهره می برد: خالکوبی بدن و رنگ آمیزی اجساد به منظور تزئین و یا احترام به باورها و آیین های مذهبی و نقاشی غارها به منظور تسلط بیشتر بر طبیعت صورت می گرفت. انسان اولیه از یک سو به کمک رنگ و نقوش تزئینی به هر چه زیباترشدن اشیا و ظروف مختلف می پرداخت و از سوی دیگر نقوش رنگی را بستری مناسب برای انتقال مفاهیم نمادین یافته بود. در این میان رنگ آمیزی پیکرک ها از مهم ترین زمینه های بهره برداری انسان اولیه از رنگ به شمار می آید که با فنون مختلفی صورت می گرفت.

رنگ به این پیکرک ها نیز گاه مستقل و گاه در قالب نقوشی تزئینی و به ویژه نمادین الحاق می شد.

علیرغم فاصله ی مکانی و زمانی گاه شباهت های چشمگیری در نحوه ی ساخت و پرداخت این پیکرک ها مشاهده می شود. این خود تا حدی بر وجوه مشترک اعتقادات و باورهای انسان در فرهنگ های مختلف صحه می گذارد. چنانچه این شباهت در دو پیکره ی ونوس تپه سراب و الهه ی باروری در چتل هویوک[1] دیده می شود. رنگ در این پیکرک ها در قالب نقوش مختلفی چون دوایر توپر رنگی، خطوط مختلف زیگزاگی، جناقی یا مواج و گاه ضربدری و نقش های مختلفی چون صلیب شکسته که نمادی از خورشید است به وفور مشاهده می شود. پیکره ی رنگی در حاجی فیروز[2]، سردیس سنگی قرمز رنگ در یانیک تپه[3] و پیکرک ایستاده ی مزین به خطوط زیگزاگی در لرستان از مهم ترین نمونه های پیکرک های رنگی در ایران هستند که از رنگ و نقوش به منظور انتقال مفاهیم و نمادها استفاده کرده اند.

مطالعه و بررسی پیکره ها و نیز پیکرک های رنگی پیش از این از سوی متخصصین باستان شناس صورت گرفته است. حال این که در این پژوهش طبقه بندی این آثار و پاسخ به چرایی بهره برداری آنها از رنگ از نقطه نظر مجسمه سازی مورد تحقیق قرار می گیرد.

کهن ترین نمونه های کاربرد رنگ در هنر پیش از تاریخ

ارتباط تنگاتنگ زندگی با طبیعتِ سرشار از رنگ، در گذشته موجب می شد انسان اولیه با طیف وسیعی از رنگ ها مواجه شود و این تنوع و زیبایی او را به تقلید و بازنماییِ محیط ترغیب می نمود. او با دسترسی به رنگ های طبیعی، بسیاری از تصاویر پیرامونش را در قالب نقاشی و حجم ماندگار می ساخت. انواع خاک و سنگ، جانوران و با عقب نشینی یخ ها، گیاهان از مهم ترین منابع تهیه رنگ بودند. دسترسی به سنگ های گرانبهای رنگین، صدف، عاج و مانند آنها نیز دیگر زمینه های استفاده از رنگ در مجسمه به شمار می آمد.

قرمز تیره، صورتی، قرمز- نارنجی، زرد و قهوه ای از اکسید آهن شنگرف و هماتیت[4]، آبی روشن از سنگ معدن، ارغوانی از منیزیم، خاکستری سربی از سرب طبیعی و رنگ سیاه آلی که از دوده ساخته شده اند، از مهم ترین رنگ های طبیعی هستند که در نقش مایه هایی چون اشکال هندسی و آثار دست، شمایل انسانی و حیوانی (گاوها، پرنده ها از قبیل کرکس، پلنگ و آهو) ظاهر شده اند (مک کارتر،۱۳۸۹، ۲۰۶).

انسان اولیه رنگدانه های بدست آمده را در ظرف هایی خاص می ساییدِ و پودر حاصله را با آب مخلوط می کرد و در مواردی خاص با حرارت به رنگ های متفاوت دست می یافت. ظرف های استخوانی برای نگهداری رنگ، هاون های استخوانی و قلم موهایی از موهای زبر جانوران توسط باستان شناسان در این مکان ها کشف شده است (بوا، ۱۳۷۶، ۱۷۵).

بهره برداری از اولین ماده ی رنگی شناخته شده- خاک های قرمز رنگی که به منظور تزئینِ بدن انسان استفاده می شد- به دوران دیرینه سنگی اشاره دارد. انسانِ اولیه به کمک این خاک های رنگی به تزئین و آرایشِ بدن خود می پرداخت، در حالی که استخوان مردگانش را به رنگ اُخرا آغشته می ساخت (Delamare-Guineau,2002,16) .

انسان با استفاده از رنگ های اخرای سرخ و زرد و سیاه، حیوانات مختلفی را نیز طراحی می کرد که می توان حدس زد برای تهیه‌ی رنگ از دوده‌ی زغال یا گرد استخوان سوخته، گل اُخرا و خاک سرخ مخلوط با پیه حیوانات استفاده می کرد (پاکباز، ۱۳۷۸، ۷۹۱). برجستگی ها و فرورفتگی های دیوار غارها به واقع نمایی بیشتر این تصاویر کمک می کرد، تصاویری که در مناطق مختلفِ آب و هوایی و با توجه به تنوع جانورانِ هر منطقه متفاوت بود.

نقوش سایه وار دست ها بر رویِ دیوار غار ها دیگر نمونه‌ی زیبایی است که در کنار تصاویر انسان و حیوان دیده شده است. حدود ۱۸۰۰۰ سال قبل در غار "پِش مِرل"[5] در فرانسه، شکارچی- نقاش جهت خلق این تصاویر احتمالاً از دهانش برای پاشیدن رنگ استفاده می کرد. او اخرای قرمز پودر شده و دی اکسید منگنز سیاه محلول در آب را بر اطراف دست هایش که بر روی دیوار غار قرار

داده بود می پاشید که به ثبت منفی دست ها منجر می شد (تصویر ۱). راه دیگری نیز وجود داشت که با فرو بردن دست هایش داخل رنگ و فشار بر روی دیوار، به دست می آمد (Feisner,2001,129). انسان غارنشین با ثبت چنین تصاویری علاوه بر خلق زیبایی و ثبت واقعیت های زندگی، از نتایج جادویی و تاثیر گذاریِ ذهنی آنها نیز بهره مند می شد. او از این طریق پاسخگوی امیال غَریزی خود در جهت تسلط بیشتر بر محیط اطرافش بود.

تصویر ۱- نقش منفی دست، غار پش مرل در فرانسه. حدود ۱۸۰۰۰ پیش از میلاد.
ماخذ: (Delamare-Guineau,2002,18)

ارائه ی جمجمه های جدا شده که صورتشان با اندود های رنگی پوشیده می شد، از دیگر نمونه هایی است که به استفاده از رنگ در هنر پیش از تاریخ اشاره دارد.

سطح فوقانی و پشت بسیاری از این جمجمه ها نقاشی شده و یا با صمغ درختان یا قیر پوشیده شده اند که ممکن است نشان دهنده ی موها- یا شاید نگهدارنده ی کلاه گیس بر سر جایشان بوده باشد (مک کارتر، ۱۳۹۰، ۲۱۴). استفاده از رنگ در این جمجمه ها بیشتر جنبه ی آیینی داشته است (تصویر ۲).

پیکره های کوچک اندام مقدس در چتل هویوک نیز رنگ آمیزی می شدند. به نظر می رسد که مردم در این زمان خدایانشان را در قالبی انسانی تجسم می کردند. این پیکره های کوچک اندام از سنگ یا گل رس پخته ساخته می شد. الهه نشسته که به طور تقریبی به ۵۹۰۰ قبل از میلاد تعلق دارد با نقش ضربدری گل مانند تزئین شده است. این نقوش که در رنگ آمیزی دیوارها نماد کشاورزی بودند، در اینجا نیز نقش ویژه ی خدای کشاورزی را به این الهه واگذار می کنند (گاردنر، ۱۳۸۰، ۴۷).

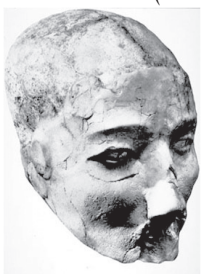

تصویر ۲- جمجمه ی انسان . اریحا.
صورت قالبگیری شده با گچ.
ماخذ: (گاردنر، ۱۳۸۰، ۴۷)

رنگ در احجام سفالی در قالب طرح های هندسی، نقوش گیاهی و جانوری و نیز طرح های تجریدی و استیلیزه نیز بسیار دیده می شود. استفاده از رنگ در این احجام نیز بیشتر جنبه ی نمادین داشته است.

جنبه های نمادگرایانه رنگ از هزاران سال قبل از اختلاط جنبه های گوناگون روانشناختی، فیزیولوژیکی و قراردادی در جوامع بشری به وجود آمده است (Feisner,2001,121).

شواهد بسیاری در دست است که از هزاران سال قبل برخی از مجسمه ها و نقوش برجسته ی تزئینی و روایی رنگ آمیزی می شدند. اگر چه مصریان باستان به جهت استفاده ی وسیع از رنگ در هنر و زندگی خود شناخته شده اند، اما بهره برداری از رنگ در آثار حجمی تنها مختص به این سرزمین نبود و دیگر نقاط جهان از جمله ایران، بین النهرین، یونان و غیره را نیز در برمی گرفت. ایران از جمله سرزمین هایی است که از جنبه ی نمادین و گاه تزئینی رنگ در خلق پیکرک ها استفاده کرده است. بدین ترتیب خواهیم دید که رنگ که اطلاعات، احساسات و مفاهیم مختلفی را شامل می شود، در ارتباطات بصری از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زبانی آنی، ظاهری و بی واسطه که قدرت ارتباطی زیادی دارد.

پیشینه ی پیکرک ها در ایران

یکی از قدیمی ترین پیکرک های ساخته شده ی دست بشر، پیکرک مادینه ای است که در اتریش کشف شده است. این پیکرک که حدوداً به ۱۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال قبل از میلاد تعلق دارد ونوس ویلندروف نام گرفته است (گاردنر، ۱۳۸۰، ۳۸). مشابه ی آن پیکرک نشسته ای از جنس گل پخته است که در روستای باستانی چتل هویوک پیدا شده و به تاریخ حدود ۵۹۰۰ قبل از میلاد تعلق دارد.

اغراق در نمایش اندام های زنانه که موکد بر امر باروری در موجود مونث است، از مهم ترین ویژگی مشترک این پیکرک ها بشمار می آید. نمونه ی این پیکرک ها که اغلب مادینه هستند، در ایران بسیار مشاهده شده است و قدیمی ترین آنها به دوران نوسنگی تعلق دارد. ونوس تپه سراب از شناخته شده ترین و قدیمی ترین این پیکرک ها است که در تپه سراب کرمانشاه یافت شده است.

پیکره ی انسانی ایستاده از جنس استخوان نیز دیگر نمونه ای است که از نخستین لایه های تمدن سیلک به دست آمده است و یکی از قدیمی ترین تصاویری است که از انسان خاور نزدیک مشاهده شده است. این پیکرک دسته ی چاقویی است که انسانی را نمایش می دهد با کلاهی بر سر و پارچه ای که به دور کمر خود بسته است (گیرشمن، ۱۳۸۴، ۱۴) (تصویر ۳).

تصویر ۳- پیکرک انسانی ایستاده، دسته چاقو، سیلک، استخوان، هزاره ی پنجم ق. م. ماخذ: (گیرشمن، ۱۳۸۴، ۴۶۵)

مهم ترین ویژگی های پیکرک های دوره ی نوسنگی

اغلب پیکرک های بدست آمده از دوران نوسنگی، پیکرک های مادینه ای هستند که بیشتر برهنه و در حالت نشسته نمایش داده شده اند. اکثر این پیکرک ها یا فاقد سر و دست بوده و یا با سر و دستی کوچک و به شکل استوانه ساخته شده اند.

شباهت های زیادی بین پیکرک های موجود در ایران و پیکرک های پیدا شده در چتل هویوک و حاجی لر ترکیه مشاهده می شود (پرادا، ۱۳۸۳، ۹). استفاده از گل رس به عنوان ماده ی اولیه، ابعاد کوچک و تاکید بر اندام های زنانه —به عنوان عاملی مهم در تداوم زندگی و زایش- از مهم ترین این شباهت ها است.

زن که نگهبان آتش و شاید مخترع ظروف سفالی است، با کشاورزی ابتدایی خود ابداعات بسیاری را موجب می شود. شاید همین امر اساس بعضی از جوامع اولیه را که در آن زن بر مرد تفوق یافته است را تشکیل می دهد (گیرشمن، ۱۳۸۴، ۱۱).

از مهم ترین ویژگی پیکرک های اولیه ی نوسنگی که در قالب اشکال بسیار ساده شده ی انسان به صورت سه بعدی ارائه شده است می توان به جنسیت سفالی و پوک آنها اشاره کرد. در ساخت این پیکرها هیچ گونه ظرافتی مشاهده نشده و جنسیت شان نیز مبهم به نظر می رسد. اعضای اصلی بدن این پیکرک ها تنها با فشار مختصری بر روی گل ایجاد شده است. در برخی موارد جمع شدن گل در ناحیه شکم شاید نشانه ی بارداری زن می باشد (تصویر ۴).

در تپه سراب و محوطه های باستانی همزمان، پیکرک ها کمی واقع گراتر به نظر می رسند. در این محوطه ها، پیکرک های ساده ای در حالت نشسته و خوابیده دیده می شوند که اگر چه جزئیات بدن را با خراش های ملایمی بر روی گل نمایش داده اند، اما هم چنان از ساخت ساده و ابتدایی برخوردارند و حرارت کمی نیز دیده اند.

تصویر ۴- پیکرک انسانی ، محوطه ی گنج دره در زاگرس مرکزی، گل، اواخر هزاره هشتم ق.م. ماخذ: (دیمن، ۱۳۸۸، ۲۴۹)

در اواخر دوره ی نوسنگی بیشتر پیکرک ها حرارت دیده و پخته شده اند. در این دوران همچنین پیکرک های ایستاده ای یافت شده اند که حالت های متنوعی از نحوه ی قرارگیری دست ها را نمایش می دهند. در بعضی از آنها دست ها آویخته در دو طرف بدن قرار گرفته اند و در برخی دیگر بازوان، گشوده از هم ساخته شده اند و گاه دست ها در پیکرک های زنان سینه ها را می فشارند. در این مرحله مجسمه ها بیش از گذشته به واقعیت نزدیک شده و در ساختشان از رنگ نیز استفاده می شود که از آن جمله می توان به سردیس سنگی قرمز رنگ در یانیک تپه اشاره کرد.

نقش رنگ در خلق پیکرک های دوره ی نوسنگی

طبق مطالعه ی باستان شناسان و محققان تاریخ هنر، انسان از ابتدا با رنگ ها آشنا بود و از آنها برای نشان دادن جنبه جادویی و اعتقادی مراسم و تشدید این جنبه بهره می برده است (توحیدی، ۱۳۸۷، ۲۳). بهره برداری از رنگ در خلق مجسمه های منقوش و رنگی یکی از مهم ترین راه های بیانی و دسترسی به نظام نمادین بوده است که در قالب پیکرک هایی چون الهه های مادر و خدایان مشاهده می شود. رنگ در این پیکرک ها یا در جهت ایجاد نقوش هندسی و تزئینی و یا در خدمت بازنمایی استفاده شده است.

استفاده از رنگ در پیکرک های دوره ی نوسنگی به شکل های متنوعی بوده است، اگر چه عموماً جنبه ای نمادین و گاه طبیعت گرایانه داشته است: برخی از پیکرک های موجود با رنگ های تیره ای چون قهوه ای سوخته یا سیاه پوشش یافته اند و برخی دیگر با رنگ های روشنی چون زرد. گاه این پیکرک ها که اغلب سفالین هستند با نقوش رنگی متنوعی که شامل خطوط زیگزاگی، جناقی و یا مواج هستند تزئین شده اند. در مواردی خاص نیز این نقوش تجریدی جای خود را به نقوش شناخته شده ای چون صلیب شکسته نیز داده اند. بازنمایی اجزای بدن، لباس و زیورآلات دیگر هدفی است که پیکره ساز را به استفاده از رنگ ترغیب نموده است.

از میان پیکرک های رنگی موجود که البته بسیار انگشت شمار هستند، شاید بتوان مجسمه منقوش تپه ی حاجی فیروز را قدیمی ترین

نمونه مجسمه ی رنگی در ایران به شمار آورد. این مجسمه که متعلق به اواسط هزاره ی ششم پیش از میلاد است در مقایسه با پیکرک های دیگر مناطق طرح بندی ظریف ولی انتزاعی‌تری دارد (دیمز، ۱۳۸۸، ۳۰). این مجسمه به حالت ایستاده است و با نقطه های نسبتاً منظمی که تداعی کننده ی نقش تزئینی لباس پیکره است، ترکیب شده است. اورلی دیمز پژوهشگر بلژیکی معتقد است که این مجسمه بیشتر کارکردی جادویی داشته است (دیمز، ۱۳۸۸، ۲۴۱) (تصویر ۵).

تصویر ۵- پیکره ی ایستاده، تپه ی حاجی فیروز، گل، اواسط هزاره ی ششم پیش از میلاد.
ماخذ: (دیمز، ۱۳۸۸، ۱۳۷).

از همین دوران در منطقه‌ی یانیک تپه سردیسی رنگی نیز پیدا شده که متاسفانه جنسیتش قابل تشخیص نیست، سردیس قرمز رنگی که با چشمان سیاه تزئین شده است. در رنگ آمیزی پیکره‌های نوسنگی کاربرد رنگ قرمز رواج بیشتری داشته که یا به دلیل استفاده از گل اخرا بوده و یا ترکیب مواد اولیه با خون که نشانی از حیات را به همراه دارد. رنگ سیاه نیز شاید به دلیل در دسترس بودن بیش از سایرین کاربرد داشته است.

در مقایسه با پیکرک های انسانی دیگر، سردیس مورد بحث نسبت به دوره ای که در آن پیدا شده به حد شگفت آوری واقع گرایانه ساخته شده است (دیمز، ۱۳۸۸، ۲۱۹).

چنان چه پیش از این نیز اشاره شد رنگ در برخی از پیکرک ها در قالب نقوش خطی مشاهده می شود. این نقوش رنگی گاه به همراه خراش هایی بر بدن پیکره نیز دیده شده که می تواند بیان گر جزئیات صورت یا لباس باشد و گاه صرفاً به صورت نقوش تجریدی بخشی از بدن پیکرک را در بر گرفته است. روی شانه های پیکرک ایستاده که حدود ۴۵۰۰ پیش از میلاد تاریخ گذاری شده است و از گورستانی در لرستان یافت شده، اثر دو خط زیگزاگی سیاه رنگ مشابه دیده می شود. مثلث شرمگاهی و دو خط ممتد (شیار بارداری) روی شکم نیز با همین خط سیاه نشان داده شده است (تصویر۶).

حضور این پیکرک ها در قبور را می توان نشانه ای از احترام و پرستش الهه ها و خدایان جهت رفع نیازهای معنوی مردگان دانست (کارگر، ۱۳۸۲، ۳).

خطوط زیگزاگی گاهی سطح وسیع تری از بدن را در بر می گیرد

تصویر ۶- پیکرک ایستاده، لرستان، سفال، حدود ۴۵۰۰ پیش از میلاد.
ماخذ: (دیمز، ۱۳۸۸، ۱۳۸)

که در پیکره هایی که حدود ۵۰۰ سال بعد در تل بکون[۷] تاریخ گذاری شده است نیز مشاهده می شود. در این پیکرک ها می توان سه طرح متفاوت اندامی را تشخیص داد: پیکرک های T شکل، پیکرک های استوانه ای شکل و سرانجام پیکرک های ویولن شکل (تصویر ۷). گاه نوارهای زیگزاگی یا خطوط جناقی روی بدن از ناحیه ی پستان تا پاهای پیکرک را پوشانده است. در مواردی دیگر بازوان به شکل قطعه های پهن گلی نمایش داده شده و قسمت پشت شانه ها با صلیب شکسته تزئین شده است (دیمز، ۱۳۸۸، ۳۳).

تصویر ۷- پیکره ی ویولن شکل، استوانه ای و T شکل، تل بکون، گل، هزاره ی چهارم پیش از میلاد.
ماخذ: (دیمز، ۱۳۸۸، ۱۳۹)

نماد خورشید نیز از مهم ترین تصاویری است که از گذشته های دور مورد توجه انسان قرار گرفته است چرا که به اعتقاد پیشینیان دربردارنده نیروی آسمانی بوده و نقش عمده ای در طبیعت و حیات بشر داشته است. خورشید در قالب نمادهای مختلفی ظاهر گشته که از آن جمله می توان به صلیب شکسته (گردونه مهر یا چلیپا) اشاره کرد.

ایرانیان باستان معتقد بودند که هر شاخه از این علامت جایگاه یکی از عناصر چهارگانه است. بدین ترتیب چهار عنصر با هم و با چرخش خود نظام طبیعت و ذات آفرینش را حفظ می کنند.

نقوش قهوه ای رنگ مدور بر پیکره ی شکسته ای که از قسمت کمر قطع شده است دیگر طرح تزئینی پیکرک های انسانی است. این نیم تنه از چشمه علی شهرری بدست آمده و نیم تنه الهه مادر را مجسم می کند. پیکره از گل رس و توپر ساخته شده و در کوره پخته شده است. جنس سفال از نوع قرمز مایل به قهوه ای و مواد چسباننده آن شن ریز و کاه است. ران ها با نقوش قهوه ای رنگ مدور توپر تزئین شده که این تزئینات به وسیله یک نوار نسبتاً پهن در قسمت کمر قطع شده است. (حاتمی، ۱۳۸۲، ۶) (تصویر۸).

از این رو به جز چند مورد انگشت شمار از پیکرک ها که از رنگ جهت بازنمایی طبیعت بهره برده اند، هدف از ترکیب رنگ و نقاشی با پیکرک های اولیه چیزی جز تجلی باورهای مذهبی و آیینی و اجتماعی به نظر نمی رسد. اگرچه رنگ به ظاهر عنصری تزئینی محسوب می شود، اما با کمی تعمق ما را با دنیای پیچیده ی نمادها و نشانه ها روبرو می سازد که گاه در قالب نقوش مختلفی که خود نیز بار مفهومی زیادی را بر دوش می کشند، تاثیری دوچندان می یابد.

پیش تر از زمانی که بشر زبان را فرا گیرد از نمادهای تصویری و رنگ برای ایجاد ارتباطات کمک گرفته است و عقاید و اهداف خود را با آن ابراز نموده است. بی گمان اولین شکل نوشتاری به صورت تصویر در تمدن ها ظاهر شده است و به طور مسلم رنگ نیز پیش از آن که کارکرد زیباشناسی داشته باشد کاربردی ارتباطی و نمادین داشته است (بختیاری فرد، ۱۳۸۸، ۱۸).

از طریق بررسی آثار هنری است که می توان به چگونگی نظام های نمادین در ساختار فرهنگ های جوامع باستانی پی برد که در اینجا بررسی پیکرک های رنگی نوسنگی خود گامی اساسی در این مهم به شمار می آید.

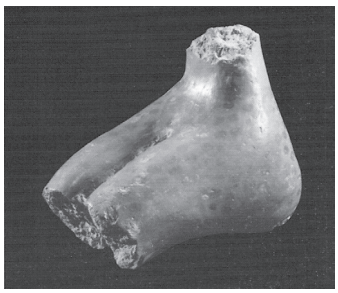

تصویر ۸- قسمتی از پیکرک زن، شهر ری، سفال، هزاره ی چهارم ق م.
ماخذ: (بولتن نمایشگاه پیکرک های سفالین سردیس های گلین ایران باستان، ۱۳۸۲، ۲۶)

نتیجه

بررسی و مطالعه ی زندگی و هنر دوره ی نوسنگی بیانگر این نکته ی کلیدی است که انسان پیش از تاریخ همواره سعی در شناخت و تسلط هر چه بیشتر بر طبیعت داشته است. دسترسی به منابع رنگی در طبیعت یکی از نمونه های بارزی است که نتیجه شناخت انسان پیش از تاریخ از محیط اطراف خود بوده و به خلق آثار ارزشمندی چون نقاشی غارها، اشیای کاربردی و هنری منجر شده است. انسان نوسنگی با استفاده از رنگ های موجود در طبیعت در قالب نقوش مختلفی چون نقوش هندسی و تجریدی و یا شمایل انسانی و حیوانی تلاش نموده تا به بازنمایی طبیعت و یا بیان نمادهای ذهنیش بپردازد.

ایران از جمله سرزمین هایی است که ساکنان آن از دیرباز عنصر رنگ را در ساخت اشیای کاربردی و هنری به کار برده اند. مشاهده ی پیکرک های سفالی رنگی که اغلب نیز مادینه هستند، در محوطه های مختلفی از فلات ایران گواهی بر این ادعا است. وجود شباهت های چندی بین این آثار و آثار دیگر مناطق تاریخی در جهان اشاره ای است بر وجوه مشترک در اعتقادات و باورهای مردم این سرزمین ها. تاکید بر اندام های زنانه در این پیکرک ها به اهمیت ویژگی باروری زنانه اشاره دارد. نخستین پیکرک های نوسنگی فاقد رنگ بوده اند و خصوصیات و مفاهیم را تنها از طریق خراش و یا اضافه کردن قطعات کوچکی از گل بر پیکره نمایش می دادند.

پس از دسترسی به منابع رنگ های طبیعی که خاک اخرا از مهم ترین آنها به شمار می آید، بخش هایی از پیکرک ها به منظور بازنمایی اعضای بدن، لباس و یا زیورآلات و مهم تر از آن با هدفی نمادپردازانه رنگ آمیزی شده اند. از این رو بنظر می رسد که آیین ها باورها و اعتقادات انسان نوسنگی در نحوه ی ساخت و پرداخت پیکرک ها و به ویژه تزئین و رنگ آمیزی آنها نقش بسیار موثری داشته است.

پی نوشت ها

۱ چتل هویوک (Catalhoyuk) واقع در فلات آناتولیا، محل پیدایش و رشد یک فرهنگ پر رونق نو سنگی بوده است و آن را در کنار اریحا یکی از نخستین تلاش های بشر برای پی ریزی زندگی شهری نامیده اند (گاردنر،۱۳۷۴، ۴۶).
۲ محوطه ای باستانی در جنوب دریاچه ی اورمیه در اواخر دوران نوسنگی که به هزاره ی ششم پیش از میلاد تعلق دارد و در واقع آغاز راه کشاورزی است (دیمز، ۱۳۸۸، ۲۱۹).
۳ محوطه ای باستانی در شمال شرقی دریاچه اورمیه که به اواخر دوران نوسنگی تعلق دارد.
۴ یکی از اشکال معدنی اکسید آهن (fe_2o_3) که به رنگ خون است. هماتیت برگرفته از واژه یونانی haima به معنای خون است.
۵ Pech-Merle.
۶Hacilar منطقه ای تاریخی در جنوب غربی ترکیه.
۷ منطقه ای تاریخی در فارس در شمال شرقی شیراز.

فهرست منابع

بختیاری فرد، حمیدرضا (۱۳۸۸)، رنگ و ارتباطات، انتشارات فخرا کیا ، تهران.
بوا، بن (۱۳۷۶)، زیبایی نور، ترجمه پرویز قوامی، انتشارات سروش، تهران.
پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، دایره المعارف هنر، فرهنگ معاصر، تهران.
پرادا، ایدت (۱۳۸۳)، هنر ایران باستان، ترجمه ی یوسف مجید زاده، انتشارات دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، تهران.
توحیدی، فائق (۱۳۸۷)، فن و هنر سفالگری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، مرکز و توسعه ی علوم انسانی، تهران.
حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، "ریشه یابی نماد باروری (الهه مادر) و سیر تحول آن در پیش از تاریخ"، بولتن نمایشگاه پیکرک های سفالین سردیس های گلین ایران باستان، موزه ملی ایران، تهران.
دیمز، اورلی (۱۳۸۸)، تندیس گری و شمایل نگاری در ایران پیش از اسلام، نشر ماهی، تهران.
کارگر، محمد رضا (۱۳۸۲)، "مقدمه"، بولتن نمایشگاه پیکرک های سفالین سردیس های گلین ایران باستان، موزه ملی ایران، تهران.
گاردنر، هلن (۱۳۷۴)، هنر در گذر زمان، ترجمه ی محمد تقی فرامرزی، موسسه ی انتشارات نگاه و آگاه، تهران.
گیرشمن، رومن (۱۳۸۴)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه ی محمد معین، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
مک کارتر، سوزان فاستر (۱۳۹۰)، نوسنگی، ترجمه ی حجت دارابی و جواد حسین زاده، نشر سمیرا، تهران.
موزه ملی ایران (۱۳۸۲)، بولتن نمایشگاه پیکرک های سفالین سردیس های گلین ایران باستان، تهران.

Delamare, Francois- Guineau, Bernard (2002), *Colour*, Thames & Hudson.
Feisner, Anderson (2001), *Colour*, Laurence King, London.